



کتابخانه مدرسه فقهت، کتابخانه ای رایگان برای مستند سازی مفاهیم دینی.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی lib.eShia.ir مراجعه فرمایید.

انیس الطالبین (ترجمه آداب المتعلمین)

نویسنده: ذهنی تهرانی، سید مجد جواد
ملاحظات: ترجمه آداب المتعلمین خواجه نصیرالدین طوسی
تاریخ وفات مؤلف: 1424 ه. ق
موضوع: اجتماعی
زبان: فارسی- عربی
تعداد جلد: 1
ناشر: حاذق
مکان چاپ: قم
سال چاپ: 1370 ه. ش

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

متن:

کتاب آداب المتعلمین

احمد لله على آلائه و نشكره على نعمائه و الصلوة و السلام على سيد انبيائه و خير اوصيائه.

و بعد: فكثير من طلاب العلم لا يتيسر لهم التحصيل و ان اجتهدوا و لا ينتفعوا عن ثمراته و ان اشتغلوا، لانتهم اخطأوا طريقه و تركوا شرائطه و كل من اخطأ الطريق ضلّ، فلا ينال المقصود اذ ان ابين طريق التعلّم على سبيل الاختصار على ما رایت فى الكتاب و سمعت من اساتيدى اولى العلم و الله الموفق و المعين، فابین المقصود فى فصول شتى.

ترجمه:

حق تعالی را در مقابل نعمت‌هایش می‌ستایم، و بر عطایایش شکر مینمایم، و درود قلبی و تحیت زبانی بر سرور پیامبران و بهترین جانشینان.

و بعد از گذاردن شکر و ستایش حضرت سبحان و اداء احترام به ساحت قدس نبوی صلی الله علیه و آله و سلّم و سرور اوصیاء یعنی وجود مقدّس حضرت علوی سلام الله القدسی علیه چنین نگاشته

می‌شود:

بسیاری از طالبین و مایلین به دانش اگرچه کوشش نموده ولی تحصیل علم برایشان میسر نشده و از منافع و آثار آن بهره‌ای نبرده اگرچه خود را بان سرگرم و مشغول مینمایند و جهتش آنستکه راه آنرا بخطاء و اشتباه رفته و شرائطش را واگذارده‌اند و معلوم است هرکس راه را اشتباه برود گم خواهد شد و در نتیجه بمقصود نخواهد رسید.

از اینرو تصمیم گرفتیم در این رساله و وجیزه بطور اختصار راه تعلّم و فراگرفتن دانش را بآن نحو که در کتاب دیده و از اساتید صاحبان علمم شنیده‌ام بیان کنم و از خداوند متعال توفیق و کمک می‌خواهم.

مقصود و مطلوب را در چند فصل بیان مینمائیم.

6

متن:

الفصل الاوّل فی ماهیة العلم و فضله

اعلم اّنه قال رسول الله صلّى الله علیه و آله:

طلب العلم فريضة على كلّ مسلم و مسلمة.

و المراد من العلم هنا علم الحال ای العلم المحتاج اليه فی الحال الموصل الى التّفّع فی المال كما يقال:

افضل العلم علم الحال و افضل العمل حفظ المال، فيفرض على الطالب ما يصلح حاله.

و شرف العلم لا يخفى على احد، اذ العلم هو مختصّ بالانسان، لاّ جميع الخصال سوى العلم يشترك فيها الانسان و ساير الحيوانات كالشّجاعة و القوّة و الشّفقة و غير ذلك و به اظهر الله فضل آدم على الملائكة و امرهم بالسّجود له.

ترجمه:

فصل اوّل: حقیقت و فضیلت علم

پیامبر اکرم صلّى الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

7

خواستن و بدنیاال دانش رفتن بر هر مرد و زن مسلمانی وظیفه و تکلیف است.

مقصود از علم در این حدیث شریف علم حال یعنی علمی که راجع به حال و چگونگی است که شخص را در مال و منال نفع برساند چنانچه گفته‌اند:

برترین دانش‌ها علم حال بوده و بالاترین عملها حفاظت مال و دارائی است، پس بر طالب لازم است چیزی را داشته باشد که حالش را اصلاح نماید.

و شرافت و فضیلت دانش بر کسی مخفی نیست زیرا علم اختصاص بانسان دارد بخلاف صفات و فضائل دیگر چه آنکه تمام خصلتها باستثنای علم انسان و جمیع حیوانات در آن با هم مشترک میباشند نظیر:

شجاعت، نیرو، شفقت و دیگر خصال حمیده.

خداوند متعال بواسطه علم فضل و برتری آدم بر ملائکه را آشکار و اظهار نمود و ایشان را بسجده بوی مأمور ساخت.

متن:

و ایضا هو وسیلة الى السّعادة الابدیة ان وقع العمل على مقتضاه، فالعلم الذی يفرض على المكلّف بعینه يجب تحصيله و یجبر علیه ان لم یحصل و الذی یكون الاحتیاج به فی الاحیان فرض على سبیل الكفاية و اذا قام به البعض سقط عن الباقي و ان لم یكن فی البلد من یقوم به اشتركوا جميعا فی تحصيله بالوجوب.

ترجمه:

و نیز علم و دانش وسیله است برای سعادت و رستگاری همیشگی مشروط باینکه بر طبق و اقتضایش عمل گردد،

8

پس علمی که بر مکلّف فرض و تکلیف قرار داده شده و از جمله واجبات عینیّه شمرده شده تحصیلش لازم و واجب بوده و در صورتیکه وی به تحصیل آن همّت نگمارد بر آن اجبار و الزامش میکنند و علمی که احيانا بآن احتیاج و نیاز پیدا میشود بنحو لزوم کفائی در حقّ مکلّفین جعل شده بطوریکه اگر برخی از ایشان بآن قیام کنند از دیگران

ساقط میگردد و اگر در شهر کسیکه بآن قیام کند وجود نداشته باشد تمام بتحصيل و فراگرفتنش موظفند.

متن:

و قيل:

بأن علم ما ينفع على نفسه في جميع الاحوال بمنزلة الطعام لا بد لكل احد من ذلك و علم ما ينفع في الاجانين بمنزلة الدواء يحتاج اليه في بعض الاوقات و علم التَّجَوم بمنزلة المرض فتعلّمه حرام لانه يضرّ و لا ينفع الا قدر ما يعرف به القبلة و اوقات الصلوة و غير ذلك، فانه ليس بحرام.

ترجمه:

كلام برخی در خاصیت بعضی از علوم

برخی از ارباب دانش فرموده‌اند:

علمی که در تمام احوال و ازمان نافع است همچون طعام بوده که احدی بی‌نیاز از آن نمیباشد و دانشی که نفعش در برخی از اوقات است مانند دواء بوده که در پاره‌ای از احوال مورد احتیاج میباشد و علم نجوم و اخترشناسی بمنزله درد و مرض است از اینرو فراگرفتنش حرام میباشد چه آنکه مضرّ بوده و نافع نیست مگر مقداری که

بواسطه‌اش قبله نماز را بتوان معین نمود و اوقات صلوة را تشخیص داد و غیر ایندو از احکام دیگر همچون تعیین آجال و اوقات که پاره‌ای از امور همچون انقضاء عده زنان و تعیین اجل دیون بآن موقوف میباشد که اینمقدار از تعلّم حرام نیست.

متن:

فأما تفسير العلم:

فانه صفة ينجلى بها لمن قامت هي به المذكور فينبغي للطالب ان لا يغفل عن نفسه و ما ينفعها و ما يضرّها في اولها و آخرها فيستجلب بما ينفعها و يتجنّب عمّا يضرّها لئلا يكون عقله و علمه حجة عليه فيزداد عقوبة.

ترجمه:

تفسير علم

و اما تفسير علم پس آن صفتی است که بواسطه‌اش برای کسیکه این صفت بوی قائم است آنچه ذکر شد کشف و ظاهر میشود لذا برای طالب دانش شایسته است که از نفس خویش و آنچه بنفع یا احوال مضرّ بحالش است چه در بدو امر و چه در انتها و مراحل آخر از آن غفلت نرزد پس سعی و همتش بر آن باشد آنچه بنفع نفس و روحش میباشد جلب نموده و از کلبه اموری که برای نفسش مضرّ است اجتناب و دوری کند تا عقل و علمش بر او حجت نبوده و بدین وسیله عقاب و عذابش زیاد گردد.

متن:

الفصل الثاني في التّية

لا بدّ لطالب العلم من التّية في تعلّم العلم، اذ التّية هو الاصل في جميع الاحوال لقوله تعالى:

أما الاعمال بالتّيات.

و لقوله صلّى الله عليه و آله:

لكل امرئ ما نوى.

فينبغي ان ينوي المتعلّم بطلب العلم رضاء الله تعالى و ازالة الجهل عن نفسه و عن سائر الجهّال و ابقاء الاسلام و احياء الدّين بالامر بالمعروف و التّهي عن المنكر من نفسه و من متعلقاته و من الغير بقدر الامكان فينبغي لطالب العلم ان يصير في المشاقّ و يجتهد بقدر الوسع، فلا يصرف عمره في الدّنيا الحفيرة الفانية و لا يدكّ نفسه بالطّمع و يجتنب عن الحقد و يحترز عن التّكبر.

ترجمه:

فصل دوم: در بیان نیت

قطعا و مسلّمًا طالب علم در مقام تعلّم می‌باید دارای نیت

باشد زیرا نیت اصل در تمام احوال و حالات میباشد بدلیل فرموده حقیقتی که فرموده:

أَمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

(صرفا اعمال بواسطه نیت تحقق می پذیرند).

و کلام دربرابر حضرت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که چنین نقل شده:

لِكُلِّ أَمْرٍ مَانُوءٌ.

(برای شخص است آنچه را که نیت میکند).

پس شایسته است که طالب دانش و خواهان علم در طی تحصیلش خشنودی حقیقتی را در نظر داشته و همّتش برطرف کردن جهل و نادانی از خود و دیگر نادانان بوده و قصدش ابقاء اسلام و احیاء دین بواسطه وادار کردن خود و وابستگان و دیگران را باعمال حسنه و بازداشتن از افعال قبیحه و زشت بوده و تا حدّ امکان در این راه بکوشد.

بنابراین شایسته است طالب علم خود را در مشاقّ و زحمات طاقت فرسا قرار داده و بمقداری که قدرت دارد در این زمینه پای فشرده و استقامت نماید، عمر گرانمایه را در تحصیل دنیای پست و زودگذر صرف نکرده و ابدا نفس خویش را بواسطه طمع و چشم داشت به حطام و سرمایہ دنیوی ذلیل نکند، از کینه ورزی و تکبر خودداری و اجتناب کند.

متن:

الفصل الثالث فی اختیار العلم و الاستاد و الشّريك و النّيات

ينبغي لطالب العلم ان يختار من كلّ علم احسنه و ما يحتاج اليه في الامور الدّينيّة في الحال ثمّ ما يحتاج اليه بالمال و يقدم علم التّوحيد و معرفة الله تعالى بالدّليل و يختار العتيق دون المحدثات.

قالوا: عليكم بالعتيق دون المحدثات.

و يختار المتون كما قيل:

عليكم بالمتون لا بالحواشي.

ترجمه:

فصل سوّم: در برگزیدن علم و انتخاب استاد و اختیار هم بحث

سزاوار و شایسته است که طالب علم از هردانشی احسن و نیکوترش را برگزیده و آنچه در حال نسبت بامور دینی مورد نیازش است انتخاب کرده و پس از آن علمی را که نیازمندیهای مالی او را جوابگو باشد اختیار کند جای دارد که طالب دانش، علم توحید و

خداشناسی را با احاطه بر دلیل بر تمام علوم مقدم کند و نیز علوم قدیمه را بر جدیده ترجیح داده و بفرافرفتن آنها کمتر همّت ببندد چه آنکه بزرگان گفته اند:

بر شما باد به علوم قدیمه نه جدیده.

و حتّی الامکان به متون پرداخته و از حواشی بهره یزد چنانچه گفته شده:

بر شما باد بمتون علوم نه حواشی آنها.

متن:

و أمّا الاستاد:

و ینبغی ان یشاور فی طلب العلم اّ علم یراد فی المشی الی تحصیلہ، فاذا دخل المتعلّم الی بلد یرید ان یتعلّم فیہ فلیکن ان لا یعجّل فی الاختلاف مع العلماء و ان یصبر شهرین حتّی کان اختیارہ للاستاد و لم یؤدّ الی ترکہ و الرجوع الی الآخر، فلا یبارک له فینبغی ان ینتہ و یصبر علی استاد و کتاب حتّی لا یترکہ ابتر و علی فنّ لا یشغل یفنّ آخر قبل ان یصیر ماهرًا فیہ و علی بلد حتّی لا ینقل الی بلد آخر من غیر ضرورة، فانّ ذلك کلّہ یفرّق الامور المقرّبة الی التّحصیل و یشغل القلب و یضیع الاوقات.

ترجمہ:

در بیان انتخاب استاد

بر طالب علم سزاوار است استادی را که از دیگران علم و تقوی و سنّش بیشتر است اختیار کند.

و نیز در طلب و اختیار آنکه چه علمی را تحصیل نماید با

اهل مشورت صلاح دید نماید.

و وقتی متعلّم به شهری که قصد آموختن و فراگرفتن علم را دارد وارد شد وظیفه اش اینستکه در حشر و نشر با علماء و مراوده با ایشان عجله نکرده بلکه بمدّت دو ماه صبر کند تا استاد مطلوب و جامع شرائط را پیدا نموده و تعجیلش منجر به ترک چنین استادی و رجوع بدیگری نگردد چه آنکه اگر در انتخاب معلّم طریق شتاب را طی کند و باندک زمانی که نزد شخص حاضر شد وی را رها کرده و بسراغ دیگری رود این امر برایش میمون و مبارک نبوده و اثر سوئی بدنبال دارد از اینرو می باید نزد استادی که حاضر شد خدمتش صبر نموده و کتابی را که در محضرش قرائت مینماید به پایان رسانده تا ناقص نماند و وقتی به فراگرفتن فتّی اشتغال ورزید پیش از آنکه در آن ماهر شود خود را سرگرم به صنعت و فنّ دیگر ننماید و زمانی که به شهری وارد شد و رحل اقامت در آن افکند بدون اینکه ضرورت و نیازی پیش بیاید از آنجا به شهر دیگر کوچ نکند چه آنکه ارتکاب این خلافها اموری را که سبب تسهیل امر تحصیل و مقربّ آن میباشند پراکنده نموده و دل و قلب را به غیر دانش و تحصیل آن مشغول نموده و سبب تضییع اوقات میگردد.

متن:

و اماّ اختیار الشّریک:

فینبغی ان یختار المجدّد و الا ورع و صاحب الطّبع المستقیم و یحترز من الکسلان و المعطلّ و مکنار الکلام و المفسد و الفتان.

قيل في الحكمة الفارسیّة:

نظم

یار بد بدتر بود از مار بد

تا توانی میگریز از یار بد

یار بد بر جان و هم ایمان زند

مار بد تنها تو را بر جان زند

و قیل:

و اعتبر الصّاحب بالصّاحب

فاعتبر الارض باسمانها

ترجمہ:

در بیان اختیار هم‌بحث

بر طالب علم سزاوار است در بحث کسی را شریک خود قرار دهد که ساعی در تحصیل علم بوده و از دیگران باتقوی‌تر و دارای طبع و سلیقه‌ای مستقیم باشد، از اشخاص کسل و تنبل و کثیر الکلام و اهل فتنه و فساد بپرهیزد چنانچه در حکمت فارسی آمده است:

شعر

یار بد بدتر بود از مار بد

تا توانی میگریز از یار بد

یار بد بر جان و هم ایمان زند

مار بد تنها تو را بر جان زند

یعنی: تا میتوانی از رفیق نامناسب و بد اجتناب کن زیرا چنین رفیقی از مار زنده بدتر است زیرا مار فقط بر بدن انسان زده و او را هلاک میکند ولی رفیق بد هم شخص را هلاک کرده و هم ایمان را می‌برد.

و در همین باره گفته شده:

فاعتبر الارض باسمائها

و اعتبر المصاحب بالمصاحب

16

کتابخانه مدرسه فقاقت

انيس الطالبين؛ ترجمه آداب المتعلمين

یعنی: زمین را بواسطه نشانه‌ها و علائم از قبیل کوهها و تپه‌ها و آب‌ها بشناس و شخص را نیز بوسیله صاحب و رفیقش اعتبار نما.

متن:

و ينبغي ان تعظم العلم و اهله بالقلب غاية التعظيم.

قيل: الحرمة خير من الطاعة.

حتى لم يؤخذ الكتاب و لم يطالع و لم يقرء الدرس الا مع الطهارة.

و ينبغي ان يوجد كتابة الكتاب و لا يقرط و يترك الحاشية الا عند الضرورة، لانه ان عاش ندم و ان مات شتم.

و ينبغي ان يستمع العلم بالتعظيم و الحرمة لا بالاستهزاء و لا يختار نوع العلم بنفسه بل يفوض امره الى استاده لان الاستاد قد حصل له التجارب في ذلك عند التحصيل و قد عرف ما ينبغي لكل احد و ما يليق بطبيعته و ينبغي لطالب العلم ان لا يجلس قريبا من الاستاد عند السبق بغير الضرورة بل ينبغي ان يكون بينه و بين الاستاد قدر فوس لانه اقرب الى التعظيم.

و ينبغي لطالب العلم ان يحترز عن الاخلاق الذميمة، فانها كلاب معنوية.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:

لا يدخل الملكة بيتا فيه كلب او صورة كلب.

ترجمه:

پاره‌ای از وظائف طالب علم

بر طالب علم سزاوار است که علم و اهل آن را قلبا احترام و کمال تعظیم را در حقشان رعایت کند.

17

کتابخانه مدرسه فقاقت

انيس الطالبين؛ ترجمه آداب المتعلمين

در این باره گفته شده:

احترام از اطاعت و بردن فرمان بهتر میباشد.

حتى هیچگاه برداشتن کتاب و مطالعه آن و خواندن درس را بدون طهارت انجام ندهد.

نوشته‌ای را که می‌نگارد سعی کند که زیبا بوده و سطور و کلمات را زیاد نزدیک بهم ننویسد از حاشیه‌نویسی حذر کند مگر در وقت ضرورت و احتیاج زیرا اگر بماند و در آینده بآنها نظر کند پشیمان شده و اگر فوت شود دیگران بوی ناسزا گویند زیرا بسا حواشی اشتباه بوده یا بسیار سطحی و قابل درج کردن نمیباشد.

سزاوار است علم با تعظیم و احترام شنیده شود نه با استهزاء و سخریه و نیز شایسته است خود نوع علم را اختیار نکرده بلکه در انتخاب آن باستاد مراجعه کند زیرا استاد در این باره تجاربی را در وقت تحصیل بدست آورده و علمی را که سزاوار هرکس باشد احراز نموده و دانشی را که لایق به طبیعت اشخاص باشد میداند چیست و شایسته است طالب علم نزدیک استاد ننشیند مگر حاجت و ضرورتی اقتضاء آنرا بنماید بلکه جا دارد بین وی و استاد بمقدار يك كمان فاصله شود چه آنکه این امر به تعظیم استاد اقرب و نزدیکتر است.

بر طالب علم سزاوار است از اخلاق زشت و ناپسند اجترار کند چه آنکه اخلاق بد در معنا سگهائی هستند که شخص با آنها محشور است.

پیامبر بزرگ اسلام صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند:

در خانه‌ای که سگ یا صورت آن نصب شده باشد ملائک داخل نمیشوند.

متن:

الفصل الرَّابِع: فى الجِدِّ و المواظبة و الملازمة
ثمَّ لا بدَّ لطالب العلم من الجِدِّ و المواظبة و الملازمة.

قيل:

من طلب شيئاً و جدَّ وجد و من قرع باباً و لَجَّ ولج.

و قيل:

بقدر ما يسعى ينال ما يتمنى.

قيل:

يحتاج فى التعلُّم الى جدِّ الثلاثة: المتعلِّم و الاستاد و الاب انكان فى الحيوَّة.

و لا بدَّ لطالب العلم من المواظبة على الدَّرس و التَّكرار فى أوَّل اللَّيْلِ و آخره و ما بين العشاءين و وقت السَّحر و وقت مبارك.

قيل:

من اسهر نفسه باللَّيل فقد فرح قلبه بالتَّهَّار و يغتنم ايام الحداثة و عنفوان الشَّباب و لا يجتهد نفسه جهدا يضعف النَّفس و

ينقطع عن العمل، بل يستعمل الرِّفق فى ذلك.

و الرِّفق فى ذلك اصل عظيم فى جميع الاشياء.

ترجمه:

فصل چهارم: در کوشش و مواظبت و ملازمت طالب علم نسبت به تحصیل آن

بر طالب علم لازمست در راه تحصیل علم سعی و کوشش کرده و بر بدست آوردنش مواظبت جمیل نموده و با هرچه سبب رسیدن بآن است ملازم و همراه باشد لذا در این باره چنین گفته شده:

کسیکه چیزی را طلب کند و برای تحصیلش جدّ و جهد نماید آنرا می باید و کسیکه دربی را بگوید و از خود اصرار نشان دهد بالاخره درب باز شده و وی بدرون داخل میشود.

و نیز گفته شده:

بمقداری که شخص سعی و کوشش کند بآرزو و آنچه تمنا دارد میرسد.

و همچنین گفته شده:

در تعلّم و فراگرفتن علم به سعی و کوشش سه نفر نیاز است:

1- طالب علم و فراگیرنده آن.

2- استاد.

3- پدر در صورتیکه در حیات باشد.

طالب علم باید بر درس و تکرار آن در ابتداء و انتهای شب و بین مغرب و عشاء و وقت سحر و زمانیکه مبارك است مواظبت داشته

باشد. در این باره گفته شده:

کسیکه در شب بیداری بکشد در روز قلبش شاد می‌باشد، طالب علم باید ایام نوجوانی و شباب را غنیمت شمارد، خود را بمشقتی که نفسش را ضعیف و از انجام اعمال وی را بازدارد نیندازد بلکه در این راه طریق مراقفت را به‌پیماید چه آنکه مدارا و مراقفت اصل عظیمی است در جمیع اشیاء.

متن:

و لا بدّ لطالب العلم من الهمة العالية فى العلم، فانّ المرء يطير بهمة كالطير يطير بجناحيه، فلا بدّ ان يكون همته على حفظ جميع الكتب حتّى يحصل البعض. فاما اذا كان له همة عالية و لم يكن له جدّ او كان له جدّ و لم يكن له همة عالية لا يحصل له الا قليلا من العلم و ينبغى ان يتعب نفسه على الجدّ و التّحصيل و المواظبة بالتأمّل فى فضائل العلوم و دقايقها، فانّ العلم يبقى و غيره يفتنى، فانّ حياة ابدية.

ترجمه:

طالب علم شایسته است که در تحصیل علم همتی عالی و بلند داشته باشد چه آنکه شخص همچون پرنده‌ای که با دو بالش پرواز میکند با همت خود میتواند طیران نماید، از اینرو می‌باید همتش بر حفظ تمام کتب بوده تا بر بعض آن نائل آید.

و اما وقتی همتی عالی داشت ولی جدّ و جهد نمود یا جدّ و جهد داشت و فاقد همتی عالی بود از علم قلبی را تحصیل میکند و از دانش نفع کثیری نمی‌برد. سزاوار است نفس خود را در سعی و تحصیل و مواظبت بر آن بواسطه دقت در فضائل علوم و نکات برجسته و باریک آنها به مشقت و تعب بیندازد و این رنج و مشقت بجا و ارزشمند است چه آنکه علم

باقی مانده و غیر آن فانی میشود زیرا علم زندگانی جاودانی است.

متن:

قیل:

العالمون احياء و ان ماتوا.

و كفى بلذة العلم داعيا الى التّحصيل للعاقل و قد يتولّد الكسل من كثرة البلغم و الرّطوبات.

و طريق تقليبه، تقليل الطّعام و ذلك، لانّ التّسيان من كثرة البلغم و كثرة شرب الماء و كثرة شرب الماء من كثرة الاكل و الخبز اليابس يقطع البلغم و الرّطوبة و كذا اكل الرّبيب.

و لا يكثر الاكل منه حتّى لا يحتاج الى شرب الماء، فيزيد البلغم.

ترجمه:

گفته شده:

دانشمندان زنده‌اند اگرچه بحسب ظاهر از دنیا رخت بریسته باشند.

و لذت علم و دانش خود کافی است که عاقل را بتحصيل آن دعوت نماید.

و گاه باشد که کسالت و خمودگی از کثرت بلغم و ازدیاد رطوبات متولّد شود و راه کاهش دادن آن کم خوردن است زیرا فراموشی از بلغم زیادی پدید آمده و زیادی بلغم از کثرت شرب آب بوجود می‌آید و زیاد نوشیدن آب از پرخوری حاصل میشود و نان خشک بلغم و رطوبت را از بدن قطع و ریشه‌کن مینماید چنانچه خوردن کشمش نیز واجد همین خصوصیت است.

لازم بتذکر است خوردن زیاد کشمش را نیز ترك کند تا احتیاج به نوشیدن آب زیاد نشده و در نتیجه بلغم زیاد گردد.

متن:

و السّواك يقلّل البلغم و يزيد فى الحفظ و الفصاحة.

و كذا القى يقلّل البلغم و الرّطوبات و طريق تقليل الاكل التأمّل فى منافع قلة الاكل و هى الصّحة و العفة و غيرهما و التأمّل فى مضارّ كثرة الاكل و هى الامراض و كلاله الطبع.

و قیل:

و ينبغي ان لا يأكل الاطعمة الدسمة و يقدم في الاكل اللطيف و الاشهى و ان لا يسعى في الاكل و التوم الا لغرض الطاعات كالصلوة و الصوم و غيرهما.

ترجمه:

و مساوك نمودن موجب كم شدن بلغم و زيادى حافظه و پيدا شدن فصاحت ميگردد و نيز فئ كردن و استفراغ نمودن بلغم و رطوبات بدن را كم ميكند.

و طريق کاهش دادن خوردن اينستكه شخص در منافع آن از قبيل صحت و تندرستى و عقت نفس بيانديشد و از طرفى در مضارّ و مفاسد پرخورى كه امراض و بيماريهاى ناشى از آن و واماندهگى طبع و غير متعادل شدن آن است تأمل نمايد.

گفته‌اند:

پرخورى و شكمپرستى زيركى و فطانت را از بين ميبرد.

شايبسته است اعذيه چرب نخورند، در وقت تناول ابتداء غذاهاى نرم و لذيز را بخورند به خوردن غذا و خوابيدن روى نياورده مگر بمنظور پيدا شدن قوه و نشاط جهت طاعات همچون نماز و روزه و غير ايندو.

متن:

الفصل الخامس فى بداية السبق و قدره و ترتيبه

ينبغى ان يكون بداية السبق يوم الاربعاء كما قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

ما من شئى بدء يوم الاربعاء الا و قد تمّ و كلّ عمل من اعمال الخير لا بدّ ان يوقع يوم الاربعاء و ذلك لآنّ يوم الاربعاء يوم خلق الله فيه التور و هو يوم نحس فى حقّ الكفار، فيكون مباركا.

و اما قدر السبق فى الابتداء:

فينبغى ان يكون قدر السبق للمبتدء بقدر ما يمكن بالاعادة مرتين بالرفق و التدرج.

فاما اذا طال السبق فى الابتداء و احتاج الى الاعادة عشر مرّات فهو فى الانتهاء ايضا كذلك لآئه بعناده كذلك و لا يترك تلك الاعادة بجهد كثير.

و قد قيل:

الدّرس حرف و التكرار الف.

ترجمه:

فصل پنجم: در ابتداء شروع بدرس و مقدار و ترتيب آن

شايبسته است كه ابتداء شروع به درس را روز چهارشنبه قرار دهند چنانچه حضرت رسول اكرم صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند:

هيچ چيزى در روز چهارشنبه شروع نشده مگر آنكه باتمام ميرسد و هرعملى از اعمال خير لازم است در روز چهارشنبه واقع شود زيرا در اين روز حقتعالى نور را بيافريد و اين روزى است كه در حقّ كفّار نحس بوده بنابرابن براى مؤمنين روز ميمون و مباركى است.

مقدار ابتداء شروع به درس

و اما مقدار شروع به درس در روز اول سزاوار است باندازه‌اى باشد كه شخص بتواند به تأنى و آرامى آنرا دو بار اعاده كند يعنى به دو مرتبه مطالعه درس را بخوبى ياد گيرد.

و اما اگر بقدرى درس طولانى باشد كه با دو مرتبه مطالعه و يكبار تكرر نتواند آنرا ياد گرفته بلكه به ده بار نيازمنند باشد پس در پايان نيز چنين بوده و هر مطلبى را مى‌بايد ده بار تكرر كند تا بيادش بماند چون وقتى در ابتداء شروع اينطور نمود عادتش بر آن مستقر ميگردد.

شايبسته نيست كه شخص طالب علم تكرر و اعاده درس را واگذارد بلكه در اين راه سزاوار است رنج و مشقت بسيار متحمل گردد و دروس خود را تكرر كند چه آنكه گفته شده:

درس يك حرف بوده و تكرارش هزار حرف ميباشد.

متن:

و ينبغي ان يبتدى بشيئ يكون اقرب الى فهمه و الاساتيد كانوا يختارون للمبتدى صغارات المتون اقرب الى الفهم و الضبط، فينبغي ان يعيد السبق بعد الضبط و الاعادة كثيرا و لا يكتب المتعلم شيئا لا يفهمه، فانه يورث كلاله الطبع و تذهب الفطنة و يضيع الاوقات.

و ينبغي ان يجتهد في الفهم من الاستناد بالتأمل و التفكر و كثرة التكرار فانه اذا قلّ السبق و كثرت التكرار و التأمل يدرك و يفهم.

و قيل:

حفظ حرفين خير من سماع ورقين.

فاذا تهاون في الفهم و لم يجتهد مرة او مرتين يعتاد ذلك في الفهم، فلا يفهم الكلام اليسير فينبغي ان لا يتهاون في الفهم بل يجتهد و يدعو الله تعالى و يتضرع اليه، فانه يجيب من دعاه و لا يخيب من رجاه.

ترجمه:

ترتيب قرائت دروس

شايسته است طالب علم ابتداء به درسی شروع کند که بفهمش نزدیکتر باشد و اساتید نیز برای مبتدی متون کوتاه و کم را که بفهم متعلمین اقرب و نزدیکتر است برگزینند.

سزاوار است بعد از اینکه درس را ضبط و حفظ نمود آنرا اعاده نماید و این امر را بحدّ کثرت و وفور برساند چیزی را که نفهمیده نویسد چون موجب خستگی طبع بوده و فطانت و زیرکی را از بین میبرد و اوقات را ضایع و تباه میسازد.

شایسته است در فهمیدن درس از استاد جهد و کوشش کرده

و در این راه از تأمل و تفکر غفلت نوزد آنرا زیاد تکرار نماید چه آنکه درس وقت کم بود و تکرارش زیاد و تأمل در آن فراوان قطعاً درس درک شده و فهمیده میشود.

گفته شده:

حفظ نمودن دو حرف از شنیدن دو ورق مطالب بهتر است.

بنابراین وقتی در فهم مطالب سستی از خود نشان داد و سعی در تکرار آن به يك يا دو بار نمود و این معنا در فهم و ادراکش عادت شده و در نتیجه کلام و سخن کوتاه و کم را نمی فهمد لذا شایسته است از هرگونه سستی در فهم مطالب و مسائل احتراز کرده و در قبال آن اجتهاد و سعی در فراگرفتن آنها بکند و همراه سعی و کوشش از خداوند متعال قوه فهم و ادراک نیز خواسته و بدرگاهش تضرع و زاری نماید چه آنکه حضرتش جلّ و علا کسی را که او را بخواند اجابت کرده و امیدش را قطع نمیکند.

متن:

و لا بدّ لطالب العلم من المطارحة و المناظرة، فينبغي ان يكون بالانصاف و التأتّي و التأمل فيحترز عن الشغب و الغضب، فانّ المناظرة و المذاكرة مشاورة، انّما يكون لاستخراج الصواب و ذلك انّما يحصل بالتأمل و الانصاف و لا يحصل بالغضب و الشغب.

و فائدة المطارحة و المناظرة اقوى من فائدة مجرد التكرار، لانّ فيه تكرارا مع زيادة.

قيل:

مطارحة ساعة خير من تكرار شهر لكن اذا كان منصفاً سليم الطبع.

و اياك و المناظرة مع غير مستقيم الطبع، فانّ الطبيعة مستقرّة و الاخلاق متعدّية و المجاورة مؤثّرة.

و ينبغي لطالب العلم ان يكون متأملاً في جميع الاوقات في دقائق العلوم و يعتاد ذلك، فإثما يدرك الدقائق بالتأمل و لهذا قيل: تأمل، تدرك.

ترجمه:

بر طالب علم لازم است که مجلس مباحثه و مناظره داشته باشد و شایسته است در این مجلس از طریق انصاف و آرامش و تأمل خارج نشود، از خصومت و اعمال غضب دوری نماید چه آنکه مناظره و مذاکره خود نوعی مشاورت و تبادل افکار بوده که جهت استخراج مطالب حقه و رسیدن به صواب صورت میگیرد و بدون تردید این غرض با تأمل و اعمال انصاف حاصل شده و ابتدا از طریق غضب و طرح منازعه و خصومت بدست نمی آید.

باید دانست که فایده و نفع مباحثه و مناظره از فایده صرف تکرار شدیدتر و قویتر است چه آنکه در آن هم تکرار درس بوده و هم امری زائد بر آن. در این باره گفته شده:

يك ساعت مباحثه داشتن از تکرار يك ماه بهتر است مشروط باینکه شخص منصف و دارای طبعی سالم باشد.

الحذر از مباحثه با کسیکه سلیقه و طبعی غیر مستقیم دارد چه آنکه طبیعت بشری رقیق و لطیف بوده و قابلیتش برای اثر و پذیرش خصلتها در حد کمال است و از طرفی دیگر اخلاق متعددی و مسری بوده و مجاورت با اشخاص کاملاً مؤثر است.

شایسته است که طالب علم در تمام اوقات خود را به تأمل و دقت در دقائق علوم و مطالب باریک و ظریف علمی وادار کند و نفس خویش را بان عادت دهد چه آنکه دقائق علوم به تأمل نمودن و امعان نظر درک میشود و از اینرو است که گفته اند:

دقت نما تا درک کنی.

متن:

و لا بد من التأمل قبل الكلام حتى يكون صوابا، فان الكلام كالتسمم، فلا بد من تقديمه بالتأمل قبل الكلام حتى يكون ذكره مصيبا في اصول الفقه.

و هذا اصل كبير و هو ان يكون كلام الفقيه المناظر بالتأمل.

و يكون مستفيدا في جميع الاحوال و الاوقات و عن جميع الاشخاص.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم:

الحكمة ضالة المؤمن اينما وجدها اخذها.

و قيل:

خذ ما صفى ودع ما كدر.

و ليس لصحيح البدن و العقل عذر في ترك العلم.

ترجمه:

لازمست پیش از سخن گفتن تأمل و فکر نموده تا کلامش صواب باشد چه آنکه سخن همچون تیر است پس چاره ای نیست از تقدیم تأمل و فکر پیش از آن تا ذکرش در اصول فقه بصواب برسد و این قاعده و اصل بزرگی میباشد که عبارتست از اینکه کلام فقیه برای شخص ناظر از روی تأمل و فکر باشد.

و شایسته است که طالب علم در جميع احوال و تمام اوقات

مستفید بوده و از تمام اشخاص بهره ببرد.

پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند:

حکمت گمشده مؤمن بوده هرکجا که آنرا بیابد برمیدارد.

و گفته شده:

آنچه صاف و از آلوده گیها منزّه است بگیر و آنچه کدر و تیره است واگذار.

و كسبكه داراي بدن و عقل سالمى است در ترك علم و دانش معذور نميباشد.

متن:

و للمتعلّم ان يشتغل بالشكر باللسان و الاركان بان يرى الفهم و العلم من الله تعالى و يراعى الفقراء بالمال و غيره و يطلب من الله تعالى التّوفيق و الهداية، فانّ الله تعالى هاد لمن استهداه به.

و من يتوكّل على الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله لكلّ شيّئ قدرا.

و ينبغي لطالب العلم ان يكون ذا همّة عالية لا يطمع فى اموال النّاس.

قال رسول الله صلّى الله عليه و آله:

اِيّاك و الطّمع، فانّته فقر حاضر، فلا ينجل بما عنده من المال، بل ينفق على نفسه و على غيره.

قال رسول الله صلّى الله عليه و آله:

النّاس كلّهم فى الفقر مخافة للفقر.

و كان فى الزّمان الأوّل يتعلّمون الحرفة، ثمّ يتعلّمون العلم حتّى لا يطمعون فى اموال النّاس.